

و بدوی و کینه و خوش تن کشیدن و جاهلی و درویش
 و تو انگری برنج طلبیدن و چیرانی و اندون و حسرت و شدت
 هم بر خود و هم بر مردمان نهادن و برتری و پستی
 و سبکساری و خزان آنچه اثرهای رحلت همه ناپسندیده است
 هر آینه نفس بعالم خاک باز گرداند پس باید که نفس خود را
 بجلافت و ضد این اثرها گوشا باشد تا بعالم طبعیت
 و جوهر خاک باز نغیثد **مشترک**
 فلک ششم و راست طبیعت وی گرم و سست روز
 پنجشنبه و شب دوشنبه و راست و قوشرنگست و شیرین
 مزه و گوش چپ و راست و دل و راست و گوشت
 و راست و جرم وی نه درجه است و فرح وی از قوچ **سست**
 و اندر یازدهم از طالع و پستان و زیران و فقها و فاضلان
 و زاهدان و عابدان و پدیدان و امامان و عالمان و
 اشراف و اهل صلاح و عفت و ورع و تقوی و امامت
 و دیانت و وزرای بزرگ و اقلیم دوم و راست و

شماره مردمان باللبست عقل و مروت و نیک بینی ایشان است
 و در سر برچی یکپالن ماند و هر روزی پنج وقت رود و
 رجعت وی بهر سیصد و نود و نوزده روز یکبار راجع شود
 و صد و سیست روز راجع باشد و از جوهر سرمه وارد شود
 قند و عسل و شکر و بانی و از میوه انار شیرین و مرود
 و خربز و مرمیوه که شیرینی دارد و از حیوانات اسب
 و خوک و از شهر باکمه و مدینه و طایف و حجاز و بحرین



و مکران و بعضی از چین و ملطان و اسپین بصره و دریای سرخ